

روش‌های زمینه‌ساز تربیت اخلاقی جوانان در نهج‌البلاغه

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۵ - تاریخ تأیید: ۹۶/۵/۱۷

* هادی عجمی

** محمد داودی

*** فاطمه وجدانی

چکیده

امیرمؤمنان علی علیه السلام مربی اخلاق و تربیت انسان‌هاست. سخنان ایشان علاوه بر تبیین گزاره‌های اخلاقی، بیان‌کننده روش‌های آن و از جمله آن‌ها روش‌های زمینه‌ساز تربیت اخلاقی است. اهمیت دوران جوانی در تربیت اخلاق و وجود روش‌های ناب این تربیت بر اساس ویژگی‌های روان‌شناختی جوانان در تعالیم اسلامی سبب شد تا روش‌هایی بر پایه «دیگر تربیتی» از نهج‌البلاغه تحلیل و استنباط شود. پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای بوده و با روش توصیفی-تحلیلی و استنباطی انجام شده است. استخراج اوصاف جوانی و روش‌های تربیت اخلاقی به روش توصیفی و تحلیلی بوده و کشف روش‌های خاص تربیت اخلاق جوان از نهج‌البلاغه به شیوه استنباطی است. از آنجاکه زمینه‌سازی در تربیت اخلاقی مهم‌ترین رکن تربیت است، در این نگارش تلاش شده مهم‌ترین روش‌ها برای زمینه‌سازی تربیت استخراج شود؛ ایجاد فضای ایمانی و اخلاقی، کرامت‌بخشی توحیدی، اصلاح خانواده و هم‌نشینی و بیدارسازی فطرت از جمله آن‌هاست.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی جوان، روش‌های تربیت اخلاقی، زمینه‌سازی تربیت اخلاقی.

* کارشناسی ارشد اخلاق اسلامی مؤسسه اخلاق و تربیت؛ (hadiajami@gmail.com).

** دانشیار پژوهشگاه قرآن و حدیث؛ (mdavoudi@rihu.ac.ir).

*** استادیار دانشگاه شهید بهشتی تهران؛ (f_vodghdani@yahoo.com).

مقدمه

جایگاه جوان در تربیت اخلاقی ویژه است؛ زیرا دوره شکوفایی بوده و نسبت به دوران بعد، آمادگی برای رشد او، بیشتر است. شخص در این دوره مانند زمین، برای کشت هر بذری آماده است. امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

قلب جوان همچون زمین خالی است که هرچه در آن بیفشانی، می‌پذیرد؛ پس پیش از آنکه قلبت سخت شود و فکرت به امور دیگر مشغول گردد، همت خود را بر تربیت تو گذاشتم.^۱

بنابراین جوانی، دوره بسیار مهمی برای تربیت اخلاقی اوست. قبل از تربیت اخلاقی، آنچه اهمیت ویژه دارد، زمینه‌سازی آن است؛ بنابراین لازم است روش‌هایی برای زمینه‌سازی اثربخشی تربیت اخلاقی جوان در فرایند تربیت مورد توجه قرار گیرد. مقاله پیش‌رو، روش‌ها را از نهج‌البلاغه به دست آورده است. علت بهره‌گیری این تحقیق از کلام امیر مؤمنان علیه السلام این است که خود را معلم اخلاق می‌دانند. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «همانا خداوند پیامبر را تعلیم فرمود و رسول خدا مرا تربیت کرد. من نیز مؤمنان را پرورش می‌دهم و فرهنگ آداب و رسوم کریمان و بزرگواران را به یادگار خواهم گذاشت»^۲. بروز این رسالت در نهج‌البلاغه هویداست و این کتاب سرشار از روش‌های کاربردی اخلاقی، به‌ویژه برای تربیت جوانان است؛ بنابراین، جفاست که در این امر، از این گنجینه سترگ، غافل بود.

پژوهش‌ها و متونی که به ابعاد اخلاقی نهج‌البلاغه پرداخته‌اند، بیشتر در قالب شرح نکات یا بخش‌های اخلاقی آن است؛ مانند شرح آیت‌الله مکارم شیرازی بر خطبه متقین. کارهایی اندکی نیز با سبک کتب اخلاقی به اخلاق در نهج‌البلاغه و بیان رذایل اخلاقی و راه درمان آن‌ها پرداخته‌اند؛ مانند هاشمی، اخلاق در نهج‌البلاغه، ۱۳۸۸. یا به دیدگاه امام علی علیه السلام درباره تربیت اخلاقی تمرکز داشتند؛ مانند صفریان، تربیت اخلاقی در نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱. در این میان، می‌توان به کتاب‌های، روش‌های تربیت در نهج‌البلاغه، اثر دلشاد تهرانی،

۱. نهج‌البلاغه، ص ۳۶۳، نامه ۳۱.

۲. معجم مقاییس اللغة، ص ۱۷۱.

شیوه‌های تربیت خویشتن در نهج البلاغه، نوشته نیک‌صفت و چند مقاله دیگر اشاره کرد که برخی روش‌های تربیت اخلاقی در این کتاب شریف را بیان کرده‌اند.

بنابراین، هرچند این کتاب شریف، پیوسته از منابع متون اخلاقی بوده - از جمله آن‌هایی که به بیان روش‌های تربیت اخلاقی یا مباحث ویژه اخلاقی جوانان پرداخته‌اند - اما پژوهشی مستقل در روش‌های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه به خصوص ویژه جوانان و روش‌های زمینه‌سازی تربیت اخلاقی جوان، انجام نشده که این مقاله درصدد جبران این کمبود است.

مفاهیم کلیدی

مفاهیم کلیدی این پژوهش، تربیت اخلاقی، روش و جوان است که به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

جوانی: جوان یا برنا. هر چیزی است که از عمر آن چندان نگذشته باشد، در مقابل پیر.^۱ دوران جوانی از نظر «ابن‌سینا» که به دیدگاه روایات نزدیک‌تر است، دوره سنی ۱۸ تا ۳۵ سالگی است.^۲

روش: مجموعه اموری است که انسان برای رسیدن به هدف و انجام کار مورد نظر، با ساختار لازم و به سامان، پی می‌نهد.^۳ گفتنی است برخی از کلمه «شیوه» استفاده می‌کنند، درحالی که شیوه، اخص از روش است و هر روش، چندین شیوه اجرا دارد.^۴ روش‌های زمینه‌ساز: این روش‌ها به طور مستقیم گرایش‌ها، بینش‌ها و رفتارهای اخلاقی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند ولی زمینه را برای تغییر آن‌ها آماده می‌کنند. این‌ها به دوره مشخصی از زندگی، اختصاص ندارند و در هر دوره‌ای و در هر حیطه‌ای می‌توانند مطرح شوند.

تربیت اخلاقی (moral education): آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش

۱. دهخدا/.

۲. الشفاء، طبیعیات، ج ۳، ص ۲۰۰.

۳. نگرشی برآموزش با تاکید برآموزش‌های دینی: سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۳۰.

۴. رک: همان.

گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است.^۱

بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال مجموعه روش‌هایی است که بتواند در دوره سنی ۱۸ تا ۳۵ سالگی، زمینه‌ساز تأثیرگذاری آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی باشد.

روش‌های زمینه‌ساز

زمینه‌سازی در تربیت، جایگاه مقدّمی دارد. قبل از انجام هر روش و اقدامی، برای تأثیرگذاری فرآیند تربیتی باید زمینه‌سازی شود. تا زمینه‌سازی لازم انجام نگیرد، چندان نمی‌توان به تأثیرگذاری روش‌های تربیتی امید داشت. موفقیت تربیت اخلاقی پیش از هر اقدامی مرهون زمینه‌سازی مناسب است. در سیرهٔ پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به فراهم آوردن زمینهٔ مناسب بسیار توجه شده و با استفاده از روش‌هایی تلاش کرده‌اند زمینه را برای تحقق اهداف تربیت اخلاقی مساعد سازند... روش‌های زمینه‌ساز از مبنا و اصل عام تربیت اخلاقی، یعنی تأثیرپذیری انسان از محیط و اصلاح محیط نشأت می‌گیرد؛^۲ به‌ویژه در تربیت اخلاقی جوان، زیرا همان‌گونه که در ویژگی‌های جوانان بیان شد این تأثیرپذیری در جوانان بسیار پررنگ‌تر است. از این‌رو لازم است در بیان روش‌ها، توجه ویژه‌ای به روش‌های زمینه‌ساز شود. روش‌های زمینه‌ساز به‌طور مستقیم گرایش‌ها، بینش‌ها و رفتارهای اخلاقی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند؛ ولی زمینه را برای تغییر آن‌ها آماده می‌کنند. این‌ها خاص دورهٔ مشخصی از زندگی نیستند و در هر دوره‌ای و در هر حیطة‌ای قابل مطرح کردن است.

۱. ایجاد فضای ایمانی

مهم‌ترین روش برای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی جوان، ایجاد فضای ایمانی است. منظور، ایجاد فضای ایمانی، در محیط و جامعه‌ای است که جوان در آن حضور دارد و شامل خانه، محیط آموزشی، هر فضای مرتبط با جوان و در نگاه کلان، شامل کل جامعه می‌شود.

۱. تربیت اخلاقی: سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام ج ۳، ص ۱۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۱۳.

تربیت اخلاقی را می‌توان جدای از ایمان و در فضای غیرایمانی پیگیر شد، همان‌گونه که در فضاهای سکولار یا کمونیستی و الحادی پیگیری شده و به موفقیت‌هایی نیز رسیده است. با این وجود، تربیت اخلاقی کامل، تنها در جامعه ایمانی محقق می‌شود، به خلاف تفکرات سکولار که به علت تنزل دادن دین، به آموزش‌های مناسکی، تربیت دینی را یکی از ساحت‌های تربیتی و موازی تربیت اخلاقی قرار داده‌اند؛ مانند تربیت اخلاقی در غرب. همچنین به خلاف تفکرات کمونیستی و الحادی که به علت جدایی از دین الهی، به نوعی تربیت اخلاقی را جایگزین تربیت دینی قرار داده‌اند. بخشی از تأکید آن‌ها بر تربیت اخلاقی، به علت بی‌بهره بودن از تربیت دینی است؛ مانند تربیت اخلاقی در ژاپن؛ بنابراین، دربارهٔ تربیت دینی و اخلاقی در اسلام، می‌توان قائل به ارتباط عموم و خصوص شد و تربیت اخلاقی را بخشی از تربیت دینی دانست.

دیدگاه علامه طباطبایی دربارهٔ نگاه غیردینی به تربیت اخلاقی این است که این تربیت، نابودی نوع بشر را در پی دارد. چون انسان موجودی است که خدای تعالی او را آفریده و هستی‌اش وابسته و متعلق به خداست، از ناحیه خدا آغاز شده و به زودی به سوی او برمی‌گردد و هستی‌اش به مردن ختم نمی‌شود. به همین جهت، خدای سبحان - که انسان‌ها را بهتر از خود انسان‌ها می‌شناسد، چون خالق آنان است - شرایع و قوانینی برای آنان تأسیس کرد و اساس آن شرایع را توحید قرار داد که در نتیجه هم عقاید بشر، هم اخلاق آنان و هم رفتارشان را اصلاح می‌کند.^۱

بنابراین، تنها نگاه درون‌دینی و توحیدی به اخلاق و تقوا و پرهیزگاری، زمینه‌ساز و ضامن به‌ثمر رسیدن تربیت اخلاقی و روش‌های آن است؛ تا آنجا که امیر مؤمنان علیه السلام، درونی شدن اخلاق و قدرت یافتن بر انجام روش‌های اخلاقی را منحصر در ایمان می‌دانند. ایشان تسلط بر خویشتن برای تربیت اخلاقی را وابسته به ایمان به قیامت و بازگشت به سوی پروردگار می‌دانند:

أَمْلِكُ حِمِيَةَ أَنْفِكَ وَ سَوْرَةَ حَدِّكَ وَ سَطْوَةَ يَدِكَ وَ غَرْبَ لِسَانِكَ وَ اخْتِرْسَ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ
الْبَادِرَةِ وَ تَأْخِيرِ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ وَ لَنْ تَحْكُمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ
حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ؛^۱ باد دماغت را فرو بنشان حدت و شدت و قدرت
دست و تیزی زبانت را در اختیار خود گیر و برای جلوگیری از این کار، مخصوصاً توجه به
زبانت داشته باش که (سخنی بدون فکر نگوئی). نیز در به کار بستن قدرت، تأخیر انداز تا
خشم فرو نشیند و مالک خویشتن گردی. هرگز حاکم بر خویشتن نخواهی بود؛ جز اینکه
فراوان به یاد قیامت و بازگشت به سوی پروردگار باشی.

امام علیه السلام به ضعف‌های انسانی در قبول و انجام شیوه‌های اخلاقی، واقف‌اند.
به این علت، بعد از سفارش‌های اخلاقی و بیان روش‌هایی برای تربیت اخلاقی، زمینه‌ساز
تحقق آن را «ایمان درونی» می‌دانند.

مهم‌ترین ضامن برای اجرای تربیت اخلاقی، تعهد درونی فرد و جامعه، به آن است.
تفکرها و فرهنگ‌های مختلف با روش‌های خود، درصد درونی‌سازی این تعهدها هستند.
اگر این تعهد درونی نباشد، تربیت اخلاقی، صرفاً بایدها و نبایدهایی، بدون ضمانت اجرایی و
زمینه تحقق خارجی است.

روش اسلام برای درونی‌سازی تربیت، ایمان الهی است. اولین قدم در اسلام، ایمان به
خداوند و محور دانستن اوست؛ یعنی قبول بندگی خدا و آزادبودن از هر قیدی دیگر است.
مؤمن، هر باید و نبایدی را از آن جهت که فرمان الهی است بر خود لازم می‌داند. قوانین
اخلاقی نیز، در این نظام، تبدیل به «باید» می‌شود. تأکید بر توجه به قیامت، برای ایجاد
رغبت به انجام تعهدهای الهی و انجام تمام امور در راستای آن تعهد است. از آنجاکه مؤمن،
محاسن اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی را تعهدی در برابر خداوند می‌داند، نسبت به انجام
آن، تعهدی درونی دارد. این تعهد، زمینه تحقق خارجی و اثرگذاری روش‌های تربیت اخلاقی
را محقق می‌سازد. این اعتقاد، توجهات اخلاقی مؤمنانه را شکل می‌دهد. برای نمونه، امام
علی علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا أَحَدَتْ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَبْهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانْظُرْ إِلَى عَظْمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ وَ قُدْرَتِهِ

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۴.

مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ؛^۱ اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است بنگر.

بنابراین تقویت ساحت اعتقادی در تقویت تربیت اخلاقی، مؤثر است. این تأثیر، علاوه بر تأثیر مستقیم، تأثیر زمینه ساز در تربیت اخلاقی دارد.

در ساحت تربیت عبادی دین نیز، ظرفیتی بالا برای زمینه سازی و تأثیر مستقیم در تربیت اخلاقی وجود دارد. عبادت اسلامی، علاوه بر تأثیر مستقیم در تربیت اخلاقی افراد، زمینه سازی های اخلاقی نیز دارد. امیر مؤمنان علیه السلام درباره تأثیر عبادت در تربیت اخلاقی افراد می فرماید:

وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَاةِ وَمُجَاهِدَةَ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ وَتَخْشِيعًا لِأَبْصَارِهِمْ وَتَذَلِيلًا لِنُفُوسِهِمْ وَتَخْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ وَإِذْهَابًا لِلْخِيَلَاءِ عَنْهُمْ وَلِمَا فِي ذَلِكَ مِنْ تَغْفِيرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالتُّرَابِ تَوَاضَعًا وَالتَّصَاقِ كَرَائِمِ الْجَوَارِحِ بِالْأَرْضِ تَصَاغُرًا وَلِحُوقِ الْبُطُونِ بِالْمُتُونِ مِنَ الصِّيَامِ تَذَلُّلًا مَعَ مَا فِي الزَّكَاةِ مِنْ صَرْفِ ثَمَرَاتِ الْأَرْضِ وَغَيْرِ ذَلِكَ إِلَى أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ انْظُرُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الْأَفْعَالِ مِنْ قَمْعِ نَوَاجِرِ الْفَخْرِ وَقَدْحِ طَوَالِعِ الْكِبَرِ؛^۲ خداوند بندگانش را، با نماز، زکات و تلاش در روزه داری، حفظ کرده است تا اعضا و جوارحشان آرام، دیدگانشان خاشع، جان و روانشان فروتن، دل هایشان متواضع باشد و کبر و خودپسندی از آنان رخت بربندد. چرا که در سجده، بهترین جای صورت را به خاک مالیدن، فروتنی آورد. گذاردن اعضای پر ارزش بدن بر زمین، اظهار کوچکی کردن است. روزه گرفتن و چسبیدن شکم به پشت، عامل فروتنی است. پرداخت زکات، برای مصرف شدن میوه جات زمین و غیر آن، در جهت نیازمندی های فقرا و مستمندان است. به آثار عبادات بنگرید که چگونه شاخه های درخت تکبر را درهم می شکنند و از رویدن کبر و خودپرستی جلوگیری می کند.

توجه به احکام عبادت در اسلام، علاوه بر این تأثیرات مستقیم، زمینه سازی آن ها را برای تربیت اخلاقی نمایان می سازد. تا آنجا که یکی از روش های تربیت اخلاقی را می توان عبادت اسلامی، دانست.

احکام عبادات، در سازوکاری خاص، زمینه تربیت اخلاقی را فراهم می کند. این سازوکار،

۱. همان، ص ۴۲۸.

۲. همان، خطبه ۱۹۱، ص ۲۹۴.

تحقق و زمینه‌سازی تربیت اخلاقی به وسیله شرایط صحت و قبولی عبادات است. از نمونه‌های بارز آن، نماز است. نماز، مهم‌ترین و روزانه‌ترین عبادت محسوب می‌شود که مؤمنان، پیوسته با آن در ارتباط‌اند. از شرایط قبولی و صحت این عبادت، رعایت حقوق اخلاقی دیگران است. توجه به احکام مبطلات نماز و وضو، مانند غصبی نبودن آب وضو و محل نماز،^۱ روشی برای تقیّد فرد به حقوق دیگران و زمینه‌ساز رعایت این حقوق در دیگر حالات است.

در شروط قبولی نماز،^۲ علاوه بر شروط عبادی، به رعایت حقوق اخلاقی دیگران نیز توجه شده است؛ همچون:

. دوری از حرام‌خواری^۳ که ریشه بسیاری از آسیب‌ها، به‌ویژه آسیب‌های اداری و فسادهای اقتصادی است؛

. توجه به خانواده در رعایت حقوق پدر و مادر،^۴ همسر^۵ و نزدیکان؛^۶

۱. رک: ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۱ و ۱۶۴.

۲. گفتنی است که این شرایط، شرایط قبول فقهی نیست؛ زیرا این شرایط بعد از مقام صحت (شرعی) نماز است که در احکام بیان شده است و مربوط به مقام قبول نهایی عمل نزد پروردگار و تاثیرگذاری نهایی نماز است. به تعبیری، این‌ها، شرایط کمال هستند.

۳. پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: «الصلوة مع أكل الحرام كالبناء على الرمل؛ عبادت همراه با حرام‌خواری، چون ساختمانی است بر روی شن!» (بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸) و فرمودند: «من أكل لقمه حرام لم تقبل له صلاة أربعين ليلة؛ و لم تستجب له دعوة أربعين صباحاً و كل لحم يئته الحرام فالنار أولى به؛ نماز کسی که لقمه‌اش حرام است تا چهل روز از ارزش چندانی برخوردار نیست و تا چهل روز، دعای او مستجاب نمی‌گردد و هر مقدار از بدن که پرورش یافته لقمه حرام باشد، سزاوار آتش و سوختن است» (بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۱۴).

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: «من نظر إلى ابويه نظر ماقب و هما ظالمان له، لم يقبل الله له صلاة؛ هر که به پدر و مادر خود، گرچه به وی ستم کرده باشند، با نگاه دشمنانه بنگرد، خداوند از او نمازی را نمی‌پذیرد» (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹).

۵. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «زنی که شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب‌ها به عبادت پردازد و بنده‌ها آزاد کند و مال‌ها در راه خدا انفاق نماید، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نپذیرد تا آنگاه که شوهرش را کمک و از خود راضی کند؛ و اگر چنین نکند آن زن نخستین کسی است که به دوزخ می‌رود». پیامبر خدا ﷺ سپس فرمود: «مرد نیز اگر در حق همسر خود آزار و ستم روا دارد، چنین گناه و عذابی خواهد داشت» (بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳).

۶. پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: «یا اباذر! یاک و هجران اخیک، فإن العمل لا یتقبل مع الهجران؛ ای ابوذر! از دوری و قطع

توجه به حقوق دیگر مؤمنان در خیرخواهی برای آن‌ها و دوری از غیبت آن‌ها.^۲

این ظرفیت چنان بالاست که می‌توان عبادت اسلامی را، یکی از روش‌های زمینه‌ساز تربیت اخلاقی نامید. بنابراین، با توجه به ظرفیتی که امیر مؤمنان علیه السلام در ایمان الهی و عبادات برای تربیت اخلاقی بیان کردند، ایجاد فضای ایمانی در فرد و جامعه را مهم‌ترین روش زمینه‌ساز تربیت اخلاقی است. در این نظام فکری است که در میان توصیه‌های اخلاقی امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام تقوا و پرهیزگاری، مهم‌ترین وصیت است. ایشان در نامه‌ای به فرزند گرامی‌شان می‌فرمایند:

وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ؛^۳ پسرم بدان محبوب‌ترین چیزی که از میان گفته‌هایم در این وصیت‌نامه به آن تمسک می‌جویی، تقوا و پرهیزکاری است.

این روش، به دو دلیل، تأثیر ویژه‌ای بر جوان دارد: او قلبی پاک دارد که پذیرش ایمانی او را بالا می‌برد. از سویی، آرمان‌گرا است. این آرمان‌گرایی، پذیرشی بالاتر از دیگران در قبول فضایی ایمانی و آرمانی در تربیت اخلاق ایجاد می‌کند.

جوان با داشتن قلبی پاک، آمادگی لازم را برای پذیرش این روش دارد. امام علی علیه السلام در نامه‌ای، فرزند جوان خویش را به داشتن نیت و نفس پاک توصیف می‌نماید:

أَنْتَ ... ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَنَفْسٍ صَافِيَةٍ؛^۴ تو دارای نیت پاک و روان پاکیزه هستی.

از سویی، جوان، آرمان‌گراست که همین امر به تأثیرگذاری این روش در این دوران، به ویژه در تربیت اخلاقی، کمک می‌کند. برای تأیید این سخن می‌توان به تحقیقی در بررسی

رابطه با برادر دینی بیرهیز، چرا که عمل این‌گونه اشخاص پذیرفته نیست» (مکارم الأخلاق، ص ۴۷۰).

۱. امام صادق علیه السلام: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَهُوَ مُضْمَرٌ عَلَىٰ أُخْبِيهِ سَوْءًا؛ خداوند از مؤمنی که نسبت به برادر مؤمن خود نیت بد داشته باشد، هیچ عملی را نمی‌پذیرد» (الکافی، ج ۲، ص ۳۶۱).

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من اغتاب مسلماً أو مسلمة، لم يقبل الله صلاته ولا صيامه اربعين يوماً وليلة إلا أن يغفر له صاحبه؛ هر که از مردی مسلمان یا زنی مسلمان غیبت کند، خداوند متعال تا چهل شبانه‌روز، نه نماز او را می‌پذیرد و نه روزه‌اش را، مگر اینکه غیبت شونده او را ببخشد» (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۵۸).

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۹۴.

۴. همان.

مهم‌ترین آرزوی جوانان ایران در زندگی، استناد کرد که به این نتیجه رسیده است: تصور نمی‌توان کرد در جهان کنونی به ملتی برخورد کنید که بزرگ‌ترین آرزوی ۴۳ درصد جوانان آن خدمت‌کردن به مردم باشد. صرف‌نظر از اینکه این آرمان انسانی و خداپسندانه در جریان دشواری‌های زندگی به تدریج در میان بسیاری از این جوانان گُند خواهد شد، اما وجود چنین آرمانی می‌تواند مایه امیدواری بزرگی برای کشور باشد.^۱

از آنجاکه پذیرش فضای ایمانی، سطحی بالاتر از فضای مرسوم جامعه است، این آرمان‌گرایی، می‌تواند زمینه پذیرش این فضا باشد. نمونه این آرمان‌گرایی و پذیرش فضا و جامعه ایمانی، تعداد کثیر جوانان در لشکر پیامبر ﷺ و ان‌شاءالله در سپاه حضرت

مهدی عجل‌الله‌فرجه است. حضرت علی ع در توصیف یاران و اصحاب امام عصر ع می‌فرمایند: **إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُهْلِ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الرَّادِ وَأَقْلُ الرَّادِ الْمِلْحُ**؛^۲ یاران قائم ع همه از میان جوانان خواهند بود. سالخورده در بین آن‌ها بسیار کم است و نسبت سالخوردگان بر جوانان در بین اصحاب آن حضرت همانند سرمه‌ای برای چشم و نمک برای غذاست و کمترین بخش غذا را نمک تشکیل می‌دهد.

حضور مؤثر جوانان در انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس نیز، نشان از توجه آنان به آرمان‌ها و آمادگی برای زندگی در فضای ایمانی دارد. آمار سنی شهدای دفاع مقدس، گویای آن است که «۴۴ درصد شهدا در گروه سنی ۱۶ تا ۲۰ سال، ۳۰ درصد در گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال، ۸ درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و مابقی شهدا در سایر گروه‌های سنی قرار دارند. شهدای ۲۰ ساله، ۱۴ درصد شهدا را تشکیل می‌دهند که به نسبت سایر سنین شهدا، بیشترین نسبت را شامل می‌شوند. میانگین سن شهدا در زمان شهادت در حدود ۲۳ سال بوده است».^۴

۱. نوآوری‌های علمی و پژوهشی مربوط به جوانان، ص ۱۸.

۲. در ادامه مقاله روایت مرتبط می‌آید.

۳. الغیبة، ص ۳۱۶.

۴. سایت: aja.ir.

۲. توجه دادن به مرگ و قیامت

از جمله روش های زمینه ساز تربیت اخلاقی، توجه دادن به زندگی پس از مرگ است. امیر مؤمنان علیه السلام تأکید ویژه بر این روش دارند و از آن بهره برده اند. توجه دادن به مرگ و قیامت، جوان را در فضایی متفاوت از فضای روزمره قرار می دهد و زمینه سازی خوبی را برای تربیت اخلاقی رقم می زند. امیر مؤمنان علیه السلام، می فرمایند:

ذَلِكَ بِذِكْرِ الْمَوْتِ؛ قلبت را با یاد مرگ رام کن.

از ویژگی های جوانان، مستی جوانی^۲ و حرص او به دنیا و جذابیت های آن است^۳. یاد مرگ، این معادلات را تغییر می دهد. یاد مرگ، باد جوانی را می خواباند و کمک می کند تا قلبش رام شود. از سویی، فطرت پاک و دل رحمی او، کمکی است برای التفات به قیامت، اما نشاط و مستی او و توجهش به جذابیت های دنیایی، مانع از توجه به آخرت است؛ بنابراین ابتدا باید او را در فضای مناسب قرار داد تا پذیرای این روش باشد.

در ترسیم مرگ و قیامت، چند نکته را می توان از نهج البلاغه به دست آورد:

نکته اول، مرگ واقعیتی از زندگی است؛ واقعیتی که چه به آن توجه شود یا نشود، هر انسانی آن را درک خواهد کرد، مانند امتحان پایان سال که موعد آن می رسد، چه دانش آموز برای آن آماده باشد یا فراموشش کرده باشد. حضرت علیه السلام می فرمایند:

وَأَذْكُرُ قَبْرَكَ فَإِنَّ عَلَيْهِ مَمْرَكَ؛ به یاد قبر باش که گذرگاه تو به سوی عالم آخرت است.

نکته دوم، ترسیم جذاب و عبرت انگیز مرگ است. هدف از ترسیم و یادآوری مرگ، اثرگذاری آن است. پس این ترسیم باید همراه جذابیت، ترس و اضطراب سازنده باشد. ترس و اضطراب از اینکه برای آن مرحله از زندگی آماده نباشد. جذابیت ترسیم مرگ، به قبول و توجه به این روش کمک می کند. امروزه یکی از عناصر جذابیت برخی فیلم های غربی، ترس

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۹۱.

۲ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: الشَّبَابُ شُعْبَةٌ مِنَ الْجُنُونِ؛ جوانی شعبه ای از دیوانگی است. (تفسیر القمی، ج، ص ۲۹۱)

۳. امام علی علیه السلام به غلام جوان: انت شابٌ و لك شرّة الشَّبَابِ؛ تو جوانی و حرص و هوس جوانی داری (الغارات، ج، ۱، ص ۱۶۶).

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳، ۲۱۴.

است؛ این ترس همراه با اغواگری بوده اما در راستای بهره‌گیری تربیتی استفاده می‌شود. ترساندن از واقعیتی است که در واقع نیز همراه ترس و دلهره است.

امیر مؤمنان علیه السلام هنگامی که از مرگ می‌گویند، ترسیمی جذاب و عبرت‌انگیز از مرگ دارند.^۱ ایشان ابتدا به رام‌کنندگی مرگ اشاره می‌کنند، به اینکه دنیا قلب را می‌میراند و در محاسبه‌های محدود دنیایی قرار می‌دهد. چنین کسی تا جایی پیش می‌رود که از هیچ واعظی پند نمی‌پذیرد، اما مرگ، انسان را از این مستی درآورده و او را در محاسباتی جدید داخل می‌کند.

تنها یاد مرگ برای تربیت اخلاقی، کفایت نمی‌کند. عالم قبر و قیامت، مرحله‌ای از زندگی است که انسان در آن، پاسخگوی عملکرد خود، از جمله، عملکرد اخلاقی است. یاد مرگ، یادآوری پاسخگویی و تعهدهای اوست. تعهدهایی که در نگاهی ایمانی، در راستای تعهدهای الهی تعریف می‌شود و شامل تعهدهای اخلاقی در ارتباط با دیگران نیز می‌شود.

پس هدف نهایی از ترسیم جذاب مرگ و گوشزدکردن این واقعه برای جوان، ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری اخلاقی است؛ نه اینکه تنها ترک دنیا، هدف باشد. اگر مرگ، این‌گونه ترسیم شود، قابلیت یادآوری روزانه دارد، وگرنه، بی‌اثر خواهد بود. حضرت علیه السلام می‌فرماید:

وَأَوْصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ إِقْلَالِ الْعُقَلَةِ عَنْهُ؛^۲ شما را توصیه می‌کنم که همواره به یاد «مرگ» باشید و از آن کمتر غفلت کنید.

با کم‌رنگ شدن روش‌های ایمانی، از یاد مرگ، کمتر در تربیت اخلاقی بهره برده می‌شود. درحالی‌که اگر جوان، به اندازه و به‌جا در این فضا قرار گیرد، زمینه خوبی برای قبول روش‌های تربیت اخلاقی و قانون‌های اخلاقی ایجاد شده است. این اثر در راستای تقویت یافتن روحیه تعهدپذیری اوست.

فنونی برای رسیدن به این هدف وجود دارد؛ از جمله: برپایی نمایشگاه‌های هنری و

۱. همان، خطبه ۱۰۹، ص ۱۶۰.

۲. همان، خطبه ۱۸۸، ص ۲۷۸.

جذاب با محوریت مرگ، قیامت و بازخواست‌های اخلاقی در آن‌ها؛ همچنین اجرای نمایش‌هایی با موضوع مرگ و سكرات آن و درگیرشدن شخصیت نمایش، با اشتباهات اخلاقی یا بهره‌بردن از فضایل اخلاقی در آنجا.

پاسخگویی انسان در برابر تعهدهای الهی، محور اصلی در ترسیم فضای پس از مرگ است. تقلیل دادن این تعهدات به بازخواست از چند تعهد اخلاقی (و حق الناس) خطا است.

۳. کرامت‌بخشی توحیدی

آمارها نشان می‌دهد که «۲۰ میلیون کاربر گیم در کشور وجود دارد و سالانه بالغ بر ۱۴٫۶ میلیارد ساعت صرف بازی‌های رایانه‌ای و موبایل در ایران می‌شود»^۱. این آمار نمودی از عدم درک موقعیت جوانی و توجه افراطی به تفریح و وقت‌گذرانی است. از آفات جوانی، بی‌توجهی به فرصت بی‌بدیل جوانی و جایگاه انسانی خود است.^۲ سوءاستفاده جریان کفر، از این بی‌توجهی سبب گشته که برخی جوانان، از انسان تعریفی والاتر از حیوان متفکر نداشته باشند. این نگاه زمینه قبول سجایای والای اخلاقی را از بین می‌برد، زیرا احساس نیازی به آن‌ها نمی‌کند. در فضایی که جوان در پیروی از شهوات خلاصه شده است، زمینه‌ای برای ازخودگذشتگی، پاک‌دامنی، صبر و این‌گونه فضایل نیست.

در مقابل، شیوه شیطانی استخفاف جوانان و بهره‌بردن از آن‌ها^۳، باید او را در فضای کرامت الهی قرار داد تا پذیرای تربیت اخلاقی باشد. کرامتی که خداوند برای جوان مقرر داشته است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۴.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا؛ أَيْ

۱. سایت: mehnews.com.

۲. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: سَيِّئَانِ لَا يَعْرِفُ فَضْلَهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا: السَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ؛ دو چیز است که برتری آن‌ها را نمی‌داند، مگر کسی که آن‌ها را از دست داده است: جوانی و تندرستی. (غررالحکم و درر الکلم، ص ۴۱۴)

۳. زخرف، آیه ۵۴.

۴. اسراء، آیه ۷۰.

۵. نهج البلاغه، قصار ۴۵۶، ص ۵۵۶.

آزادمردی نیست که این نیم خورده دنیا را به اهل دنیا واگذارد. برای وجود شما قیمتی جز بهشت نیست، آن را جز به بهشت نفروشید.
وَأَكْرِمُ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَأَقْتِكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَصِمَ بِمَا تَبَدَّلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ بزرگوارتر از آن باش که به پستی تن دردهی هرچند تو را به مقصودت برساند، زیرا تو نمی توانی در برابر آنچه از آبرو و شخصیت در این راه از دست می دهی، بهایی به دست آوری. بنده دیگری مباش چراکه خداوند تو را آزاد آفریده.

حضرت در این کلام راهبردی، برای درمان رذیله اخلاقی طمع، مخاطب را به یاد جایگاهش می اندازد؛ تا زمینه ایجاد طمع را از بین ببرند. این روش نه تنها در مقابله با طمع، کارساز است بلکه زمینه ساز تأثیر و قبول دیگر روش های تربیت اخلاقی است.

این روش، در مواجهه با رذایل جوانان، آن ها را متوجه کرامت انسانی و جایگاهشان می کند. به طوری که خود فرد از آن رذیله متنفر شده و راحت تر بتواند از آن جدا شود. درک نکردن این جایگاه کرامتی، هلاکت را در پیش دارد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:
هَلَاكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛ آن کس که قدر خود را نشناخت هلاک شد.

این روش در برخورد با رذایل شهوانی جوانان، تأثیرگذاری خوبی می تواند داشته باشد، زیرا تمایلات شهوانی، جذابیت ویژه ای در جوانی دارد. این جذابیت، قدرت تأثیرگذاری را کم می کند. اگر مربی بتواند به خوبی، توجه واقعی جوان را به جایگاهش جلب کند، بهتر می تواند پستی شهوات را برایش به اثبات برساند، اما اگر جوان متوجه جایگاه خود نباشد، بیان پستی شهوات. در کنار لذت هایی که دارد. نمی تواند بازدارنده باشد؛ چون ملاک انجام شهوات، لذت است، مگر آنکه لذت آن از درون کم رنگ شود. توجه به جایگاه و کرامت انسانی، زمینه کم شدن لذت شهوانی را در قلب مهیا می کند. شگردهایی برای تحقق این روش وجود دارد؛ از جمله:

۱. مقدمه قراردادن بحث جایگاه الهی انسان، در بحث های اخلاقی؛

۲. به طنز کشیدن نگاه های حیوانی به انسان و نشان دادن زشتی های درونی آن؛

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۴۰۱.

۲. همان، ص ۴۹۷.

ایجاد بحث‌های گفتگویی دوطرفه، درباره جایگاه انسان و وظیفه انسان در نگهداری از آن، میان جوانان.

علت تأثیرگذاری این شیوه‌ها از آنجاست که در روایات دوره هفت‌ساله دوم عمر انسان (۱۴-۲۱) یعنی دوران جوانی را دوران «وزارت» می‌دانند.^۱ به این معنا که او دوست دارد همچون وزیر با احترام و مشورت با او برخورد شود، همان‌گونه که یک پادشاه با وزیر خود برخورد می‌کند. در روش کرامت‌بخشی، به علت غیرمستقیم بودن و محترمانه بودن آن، توجه ویژه به این خصوصیت روانشناختی جوانی شده است.

۴. اصلاح خانواده

امام علی علیه السلام، درباره مسئولیت خانواده در قبال تربیت فرزند می‌فرماید:
حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسِنَ اسْمَهُ وَيَحْسِنَ أَدَبَهُ وَيَعْلِمَهُ الْقُرْآنَ؛^۲ حق فرزند بر پدر آن است که نام نیک انتخاب کند، تربیتش را خوب و قرآن را تعلیمش دهد.

این سفارش حضرت و سیره خود ایشان در اهتمام به تربیت فرزندان که در نامه ۳۱ بروز بیشتری دارد، نشان از اهمیت و جایگاه و وظایف ویژه خانواده در تربیت فرزند دارد. تا آنجا که می‌توان گفت، هر حرکت تربیتی، بدون همراهی خانواده، به سختی به هدف می‌رسد؛ بنابراین خانواده جایگاه ویژه‌ای در تربیت فرزند دارد، زیرا «نخستین مرحله تشکیل شخصیت اخلاقی انسان با خانواده آغاز می‌شود. بسیاری از خصائص افراد، چه از راه وراثت، یا برنامه‌های تربیتی، متأثر از خانواده است. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت خانواده دارای دو نقش مهم در تربیت افراد است؛ اثری که با توارث از خود باقی می‌گذارد و دیگری تعلیم و تربیتی که بر اساس مسئولیت و تعهد انجام می‌دهد».^۳

این تأثیر شگرف خانواده در ساخت شخصیت اخلاقی افراد، آن را تبدیل به زمینه تربیت اخلاقی کرده است. بدین‌سان، روش اصلاح خانواده، یک روش زمینه‌ساز برای تأثیرگذاری

۱. الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ: فرزند هفت سال سرور و آقا است؛ هفت سال نوکر و هفت سال وزیر است. (وسائل الشیعة، ج ۲۱؛ ص ۴۷۶)

۲. نهج البلاغه، قصار ۳۹۹، ص ۵۴۶.

۳. نظام تربیت اخلاقی در نهج البلاغه، ص ۱۴۸.

تربیت اخلاقی و روش‌های آن است. در این روش، برای اصلاح رذیله یا ایجاد فضیلت اخلاقی، از خانواده جوان کمک گرفته می‌شود. اگر خانواده در تربیت اخلاقی، مربی و هنجارهای جامعه اسلامی را همراهی کند، امید به ثمر نشستن این تربیت بیشتر است، اما در صورت تضاد فضای خانواده با مربی یا هنجارهای جامعه، ممکن است این تضاد، جوان را دچار مشکل کند.

منظور از خانواده، فقط خانواده‌ای که فرد در آن تولد پیدا کرده نیست، بلکه خانواده‌ای که جوان بعد از ازدواج تشکیل می‌دهد نیز تأثیرات خود را دارد. به علت همین تأثیرات، روایات، شاخصه‌هایی را برای همسر برشمرده است و به دقت در انتخاب همسر، تأکید دارد. گفتنی است، تأثیرپذیری از خانواده به تناسب بالا رفتن سن، کم می‌شود اما از بین نمی‌رود. برای اجرای این روش، راهکارهایی وجود دارد؛ از جمله:

الف) تشکیل جلسات تربیتی با حضور اولیای جوانان و یادآوری نقش آن‌ها در تربیت اخلاقی جوان؛

ب) برگزاری جلسات خانوادگی اخلاق برای جوانان، به‌ویژه جوانانی که تازه ازدواج کرده‌اند؛

ج) واکسینه‌کردن جوانانی که در خانواده‌های نامناسب رشد داشته‌اند، در برابر آسیب‌هایی که او را تهدید می‌کند؛

د) توجه دادن جوان به آثار خانواده در سعادت و شقاوت او.

۵. اصلاح هم‌نشین

به همان اندازه که ارتباط جوان به‌مرور با خانواده کم می‌شود، ارتباط او با دوستان، همدرسان و همکاران بیشتر می‌شود. این ارتباط، تأثیرپذیری جوان را از آنان، روزافزون می‌کند. از نشانه‌های این تأثیرگذاری، تأکیدات حضرت بر انتخاب هم‌نشین و دوست مناسب است. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

الصَّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصِّدْقِ ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَىٰ آلَا يَطْرُوكَ وَلَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ فَإِنَّ

كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحَدِّثُ الزَّهْوَ وَتُذْنِبُ مِنَ الْعِزَّةِ^۱ به اهل ورع و صدق و راستی بیوند و آنان را طوری تربیت کن که ستایش بی حد از تو نکنند و تو را نسبت به اعمال نادرستی که انجام نداده‌ای تمجید ننماید؛ زیرا مدح و ستایش بیش از حد عجب و خودپسندی ببار می‌آورد و انسان را به کبر و غرور نزدیک می‌سازد.

الصُّقُ بِذَوِي الْمُرُوءَاتِ وَالْأَحْسَابِ وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ ثُمَّ أَهْلِ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكُرْمِ وَشُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ^۲ روایط خود را با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز و پس از آن با مردمان شجاع و سخاوتمند و افراد بزرگوار، چراکه آن‌ها کانون کرم و مراکز نیکی هستند. در این دو کلام نورانی، هم‌نشین را زمینه‌ساز ایجاد خودپسندی، یا اصلاح فرد می‌دانند. زمینه‌سازی هم‌نشین در تربیت اخلاقی، شبیه به تأثیر خانواده است. اگر جوان، هم‌نشین خود را قبول داشته باشد، تأثیرپذیری از او، به قبول یا رد هنجارهای اخلاقی اش نیز سرایت می‌کند. از این رو، هم‌نشینی با صالحان، بهترین کمک‌کننده تربیت اخلاقی است. تأییدهای آنان، به انسان در قبول و انجام مکارم اخلاقی و نهی و انزجار آن‌ها، او را در ترک رذایل کمک می‌کند. از سوی دیگر، هم‌نشین، فضایی که انسان در آن است را رقم می‌زند. ایجاد فضای ایمانی یا شیطانی و قرارداد همراه خود در آن، زمینه‌ساز تربیت اخلاقی یا مانع آن است. در برخورد با رذایل اخلاقی جوانی که ریشه در همراهی با فاسدان دارد، باید برنامه‌ای برای جدایی او از آن همراهان وجود داشته باشد. جوان، تجربه چندانی ندارد تا متوجه شود هم‌نشین چه تأثیری در او دارد. در مقابل، با ایجاد اجتماعات مؤمنانه برای جوانان، می‌توان مقدمه انتخاب هم‌نشین اخلاقی را ایجاد کرد. البته جوانی که برایش امکان جدایی از هم‌نشین نامناسب مهیا نیست را باید با بیان آثار زیان‌بار هم‌نشینی با فاسدان، واکسینه کرد.

۶. بیدارسازی فطرت

برخی مریبان که با پایین آمدن سطح اخلاق و فراوان شدن بی‌اخلاقی‌های جوانان مواجه می‌شوند، از هر تغییر و تربیت اخلاقی ناامید می‌شوند. آن‌ها فضای ضد اخلاقی آن جوانان را

۱. همان، نامه ۵۳، ص ۴۳۰.

۲. همان، ص ۴۳۳.

چنان پررنگ می‌بینند که هر روش تربیتی را بی‌فایده می‌دانند. این تفکری اشتباه است؛ زیرا در هر شرایطی و با هر ظاهری، آنچه در جوان هنوز حیات دارد، فطرت او و خُلق‌های فطری اوست. امکان دارد که این فطرت ضعیف شده باشد، اما نمرده است. باید فطرت را مخاطب قرار داد و آن را زنده کرد تا فطرت، جوان را زنده کند. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشِيرَا وَ نَذِيرَا فَخَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوحُ^۱ خداوند، مرا بشارت‌دهنده و هشداردهنده برانگیخت، جوانان با من هم‌پیمان شدند و پیران با من به مخالفت برخاستند.

بهترین الگوی مربی، در تربیت اخلاقی، سیرهٔ پیامبران الهی ﷺ در مسیر تربیت انسان هاست. امیر مؤمنان (علیه السلام) در بیان سیرهٔ تربیتی انبیاء می‌فرماید:

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ^۲ پیامبران در میان آن‌ها مبعوث ساخت و پی‌درپی رسولان خود را به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرت را از آنان مطالبه نمایند.

از ویژگی‌های جوانان، داشتن فطرتی بیدار است. بدین‌روی این بهترین روش زمینه‌سازی برای تربیت اخلاقی آن‌هاست. بیداری فطرت، بیداری شناخت و انگیزه‌های اخلاقی او را در پی دارد. البته لازم است که مربی توان ارتباط با فطرت او را پیدا کند؛^۳ برای نمونه: از جمله احساس‌های مشترک و فطری انسان‌ها، حس سپاس‌گزاری است.

«وقتی کسی به ما لطفی می‌کند یا هدیه می‌دهد، این پیام‌ها را دریافت می‌کنیم: هدیه‌دهنده مرا دوست دارد؛

هدیه‌دهنده دوست دارد که از هدیه او خوب استفاده کنم؛

خود را موظف می‌دانم در برابر لطف او عکس‌العملی نشان دهم؛

عکس‌العمل خوب من زمینه‌ساز هدایای دیگر است؛

بین ارزش هدیه و نوع تشکر رابطه‌ای احساس می‌کنم؛

نوع تشکر را بر اساس رضایتمندی هدیه‌دهنده تنظیم می‌کنم.

۱. سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱، همان، ص ۴۳.

۳. گفتنی است، از این جهت که فطرت، ایجاد گرایش می‌کند، آن را در روش‌های پرورش‌دهندهٔ گرایش نیز می‌توان قرار داد.

ما می‌توانیم، با یادآوری، شمارش، نمایش و توضیح نعمت‌ها [و خوبی‌های دیگران] احساس سپاس‌گزاری را پرورش دهیم. در قرآن این روش بسیار استفاده شده و ما را متوجه نعمت‌های خدا کرده است.^۱

از این احساس می‌توان در ایجاد روحیهٔ ادب نسبت به والدین بهره برد. نخست، او را باید متوجه مهربانی‌ها، زحمت‌ها و رنج‌های والدین برای فرزند کرد تا مقدمهٔ ادب نسبت به آن‌ها شود.

از فنون دیگر، پرسش‌هایی است که او را متوجه غفلت‌های اخلاقی خودش می‌کند. برای این کار، ابتدا باید او را در فضایی قرار داد که بتواند به رفتارهای خود فکر کند و مزاحمی برای این تفکر نباشد. سپس با مرور برخی اشتباهاتش، می‌توان از او پرسش‌هایی دربارهٔ رفتارهایش داشت تا متوجه اشتباهات اخلاقی خود شود. می‌توان آثار کارهای او را بر دیگران بیان کرد و او را به سمتی برد که به ضرر رفتارهای اشتباه خود، پی ببرد و از سوی دیگر، احساس فطری انسان‌دوستانهٔ او را شکوفا کرد. این روش بهترین راه برای پرورش انگیزه‌های اخلاقی جوان است.

نتیجه‌گیری

این مقاله، نگاهی داشت به روش‌ها و شیوه‌های زمینه‌ساز تربیت اخلاقی که در نهج‌البلاغه آمده است. در پیوست این شیوه‌ها به صورت جدول ارائه می‌شود. این روش‌ها و شیوه‌ها را می‌توان با استفاده از فرصت‌های جوانی و در مقابله با آسیب‌های این دوران به‌کار برد که در جدول بالا اشاره‌ای به آن‌ها شده است.

از نتیجه‌های بررسی روش‌های زمینه‌ساز در نهج‌البلاغه، این است که مهم‌ترین روش در این امر، ایجاد فضای ایمانی در درون و برون جوان است. شکوفایی کامل تربیت اخلاقی، در فضای ایمانی است. در این راستا، کرامت‌بخشی توحیدی که خداوند به انسان‌ها عنایت کرده است، بسیار در پیشگیری از جرایم اخلاقی کمک می‌کند. در بهینه‌سازی فضای بیرونی جوان، اصلاح خانواده و هم‌نشین، تأثیر شگرفی دارند. درنهایت، بهره‌بردن و رجوع به فطرت، مهم‌ترین کمک برای تربیت است. فطرت اخلاقی خواه و توحیدی انسان‌ها که پایهٔ اصلی تربیت است. از این رو، پیشنهاد پژوهشی نویسنده به خوانندگان محترم، پژوهش

۱. شیوه‌های دعوت به نماز، ص ۱۴ و ۱۵.

بیشتر در مورد ارتباط و خدمات‌رسانی فطرت به تربیت جوانان است.

جدول ارتباط شیوه‌های زمینه‌ساز در تربیت اخلاقی با ویژگی‌های روان‌شناختی جوانان در روایات

دسته	روش‌ها و شیوه‌ها	ویژگی مرتبت جوانی
روش‌های زمینه‌ساز	ایجاد فضای ایمانی	استفاده از: فطرت بیدار؛ قلب پاک؛ دل نرم؛ آرمان‌گرایی؛ تأثیرپذیری مقابله با: مستی جوانی؛ دنیاطلبی
	توجه‌دادن به مرگ و قیامت	استفاده از: فطرت و قلبی پاک؛ دلی نرم؛ آرمان‌گرایی مقابله با: مستی جوانی؛ دنیاطلبی
	کرامت‌بخشی توحیدی	استفاده از: علاقه‌مند احترام مقابله با: عدم شناخت ارزش خود
	اصلاح خانواده	استفاده از: تأثیرپذیری مقابله با: عدم شناخت ارزش خود
	اصلاح هم‌نشین	استفاده از: تأثیرپذیری مقابله با: جهالت و بی‌تجربگی
	بیدارسازی فطرت	استفاده از: آرمان‌گرایی؛ فطرت بیدار مقابله با: زمین‌خورده‌شهووت؛ مستی جوانی

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. اخلاق در نهج البلاغه، سیدحسین هاشمی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۳. تحریر الوسیله، روح الله موسوی (امام خمینی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۸۵ش.
۴. تربیت اخلاقی در نهج البلاغه، فیروزه صفری، پایان‌نامه ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۱ش.
۵. تربیت اخلاقی: سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، محمد داودی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۶. ترجمه تفسیر المیزان، سیدمحمد حسین طباطبایی، ترجمه: سیدمحمد حسین، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۷. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۸. روش‌های تربیت در نهج البلاغه، مصطفی دلشاد تهرانی، تهران: دریا، ۱۳۷۹ش.
۹. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۱۰. الشفا، الطبیعیات، ابوعلی الحسین (ابن سینا)، قم: مکتب آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۱. شیوه‌های تربیت خویشتن در نهج البلاغه، هاجر تحریری نیک‌صفت، رشت: دهبسرا، ۱۳۸۹ش.
۱۲. شیوه‌های دعوت به نماز: بانگ‌های به ریشه‌های فطری، سیدجواد بهشتی، تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲ش.
۱۳. الغارات، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۴. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۵. الغیبة للنعمانی، محمد بن ابراهیم بن ابی‌زینب، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۱۶. معجم المقاییس اللغة، احمد بن فارس، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب

- الأعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۷. **مفردات ألفاظ القرآن**، حسین بن محمد راغب اصفهانی، محقق و مصحح: غلامرضا حسینی خسروی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
۱۸. **نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش های دینی: سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام**، علی حسینی زاده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲ش.
۱۹. **نهج البلاغه** (للصبحی صالح). محمد بن حسین (شریف الرضی)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۰. **وسائل الشیعة**، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۱. «تعداد شهدای هشت سال دفاع مقدس تا زمان قبول قطعنامه، بازیابی ۱۷ مرداد»، شهروز علیمردانی، www.aja.ir، ۱۳۹۶ش.
۲۲. «نوآوری های علمی و پژوهشی مربوط به جوانان: پژوهش در وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران»، حسین لطف آبادی، **مجله مطالعات جوانان**، بهار ۱۳۸۲، شماره ۱ و ۲، ص ۱۲ تا ۳۲.